

ملالی جویا، ۲۷ قوس ۱۳۹۵



درست ۱۳ سال قبل در لویه جرگه قانون اساسی (۲۶ قوس ۱۳۸۲ — ۱۷ دسامبر ۲۰۰۳) به نمایندگی از مردم ستمکش افغانستان صدایم را علیه جنایتکاران حاکم بلند نموده فریاد کشیدم که «آزموده را آزمودن خطاست». آنزمان برای تعدادی این حرف قابل درک نبود، اما با گذشت اینهمه سالها و درک وضعیت ابتر، خيله خند و خونین وطن ما، عملاً ثابت شد که با حضور خاینان آزموده شده هیچ ملتی به بهروزی نمی‌رسد.

من در جایی صدایم را بلند کردم که خونخوارترین عناصری که فقط بلد بودند با زبان تفنگ با منتقدان سخن گویند، گردانندگان اصلی آن بودند و کمتر کسی جرئت بیان حقایق را داشت. اما من این آگاهی را داشتم که در هر مقطع تاریخ یکی باید از جانیش مایه گذاشته خلاف جریان حرکت کند تا به دیگران آگاهی داده راه ترسیم کند. من با قبول ریسک این دین را ادا کردم.

ریشه تیره‌روزی و شرایط فاجعه‌بار کنونی کشور ما در تجاوز امریکا و متحدانش و تحمیل پلیدترین جنایتکاران تاریخ بر سرنوشت ما در کنفرانس بن نهفته است. حضور ستم‌پیشگان پلید جنگسالار، تکنوکراتها و جمعی از روشنفکران خودفروخته باعث شد که کشور ما به جنگ مافیا افتاده به مرکز فساد، مواد مخدر، دہشت و تروریسم و دست‌اندازی‌های دولتهای مستبد منطقه بدل گردد. لیست تیره‌روزی‌های مردم و جامعه ما امروز به حدی طولانیست که درین مختصر نمی‌توان به آن پرداخت.

طی این سالها غدارانی چون سیاف، محقق، دوستم، خلیلی، اسماعیل، کرزی، فهیم، ربانی، قانونی، عطا، بسم‌الله، عبدالله، فاروق وردک، شیرزوی جمعی دیگر از خاینان و خودفروختگان به قدرت تکیه زده با چپاول و فساد بی‌نظیر، هستی وطن و مردم ما را به بیگانگان به لیام گذاشتند.

من هنوز هم به پیمانم با وطن و مردم با تمام وجود استوار بوده خوشحالم که اگر در ۱۳۸۲ من به تنهایی صدای محاکمه جنایتکاران را بلند کردم، اما اکنون خوشبختانه این فریاد از هر گوشه و کنار وطن ما بلند است و مردم در عمل به نتیجه رسیده‌اند که تا دست خاینان و قاتلان و غلامان بیگانگان از دامن وطن ما کوتاه نشود، افغانستان ما روی آرامش، آزادی، عدالت و خوشبختی را نخواهد چشید.

پس یک مشمت شده بدور از مرزبندی‌های بی‌ارزش سمتی، قومی، زبانی و مذهبی علیه اشغالگران خارجی و غلامان داخلی شان فریاد عدالتخواهی بلند کنیم چون جز این راهی برای نجات وطن و مردم نگویند ما وجود ندارد.